

# جماعت تبلیغی

## جماعت تبلیغی

تبلیغی جماعت، از پرنفوذترین و فراگیرترین جنبش‌های اسلامی معاصر. در 1305 ش / 1926 مولانا محمدالیاس (متوفی 1323 ش / 1944) این جنبش را به منظور تبلیغ اسلام، از منطقه ای به نام میوات در نزدیکی دهلی آغاز کرد و بتدریج در سراسر هند و بعدها شبه قاره و حتی سایر کشورها گسترش یافت، به گونه ای که امروزه در جهان شناخته شده است. تبلیغی جماعت همانند بسیاری از جنبش‌ها و حرکت‌های مسلمانان هند در دوران استعمار انگلیس، ریشه در حرکت اصلاح طلبانه و احیاگرانه شاه ولی الله دهلوی دارد که هم زمان با آغاز سقوط قدرت سیاسی مسلمانان در هندوستان ظهور کرد. پس از آنکه انگلیسی‌ها قیام مردم هند را که متأثر از حرکت پیروان شاه ولی الله بود، در 1857 / 1273 سرکوب کردند، اغلب علمای مسلمان از مبارزه مستقیم با استعمار دست کشیدند و به رفع انحطاط داخلی پرداختند.

تبلیغی جماعت، از پرنفوذترین و فراگیرترین جنبش‌های اسلامی معاصر. در 1305 ش / 1926 مولانا محمدالیاس (متوفی 1323 ش / 1944) این جنبش را به منظور تبلیغ اسلام، از منطقه ای به نام میوات در نزدیکی دهلی آغاز کرد و بتدریج در سراسر هند و بعدها شبه قاره و حتی سایر کشورها گسترش یافت، به گونه ای که امروزه در جهان شناخته شده است (مسعود، 2000 الف، ص 3-31؛ گابوریو، ص 121-138؛ نیز رجوع کنید به مندویل، ص 16).

تبلیغی جماعت همانند بسیاری از جنبش‌ها و حرکت‌های مسلمانان هند در دوران استعمار انگلیس، ریشه در حرکت اصلاح طلبانه و احیاگرانه شاه ولی الله دهلوی دارد که هم زمان با آغاز سقوط قدرت سیاسی مسلمانان در هندوستان ظهور کرد (عزیز احمد، ص 15-16؛ موثقی، ص 192-193). پس از آنکه انگلیسی‌ها قیام مردم هند را که متأثر از حرکت پیروان شاه ولی الله بود (رجوع کنید به موثقی، ص 189-214)، در 1857 / 1273 سرکوب کردند، اغلب علمای مسلمان از مبارزه مستقیم با استعمار دست کشیدند و به رفع انحطاط داخلی پرداختند؛ از جمله محمدقاسم نانوتوی مکتب مذهبی دثوبند را در 1284 تأسیس کرد و به دنبال آن شبکه ای از مدارس مذهبی زیرنظر علمای این مکتب در بسیاری از مناطق هندوستان به وجود آمد (عزیز احمد، ص 20؛ نیز رجوع کنید به دثوبندی). ندوه العلماء لکهنو نیز مدرسه مهم دیگری بود که در 1312 بنیانگذاری شد (عزیز احمد، همانجا). این دو مرکز مذهبی به عنوان دنباله جنبش شاه ولی الله زمینه ساز بسیاری از تحولات بعدی شدند (رجوع کنید به موثقی، ص 214).

مولانا محمد الیاس در مکتب دثوبند تربیت یافت (د.اسلام، چاپ دوم، ذیل ماده) و در 1335 در پی فوت پدر و برادرش، مسئولیت مکتب پدرش را در بستنی نظام الدین به عهده گرفت. از این زمان به بعد او با واقعیت‌های جدیدی روبرو شد که تحولاتی اساسی در افکارش ایجاد کرد (رجوع کنید به ادامه مقاله). بستنی نظام الدین در ورودی منطقه میوات قرار داشت و پدر و برادر الیاس به جذب جوانان میواتی توجه ویژه ای داشتند. اهالی میوات، معروف به «قوم میو»، از دیرباز به اسلام گرویده بودند (ندوی، ص 70-80)، اما به دلیل آمیختگی زیاد با پیروان آیین هندو فاصله زیادی با اسلام داشتند و در عمل بیشتر به هندوها شبیه بودند (مسافران ایمان >،

مقدمه، ص XXXV-XXXIV، به نقل از پاولت).

الیاس از اوضاع نابسامان میوات آگاهی نسبی داشت، ولی پس از استقرار در مدرسه پدرش به عمق آن پی برد (ممتاز احمد، 2001). در ابتدا او نیز معتقد بود که آموزش مسائل دینی به جوانان میواتی باید از طریق مدارس ادامه پیدا کند، اما با توجه به گسترده‌گی انحطاط و عقب ماندگی در جامعه میوات، تنها یک مدرسه و آن نیز در خارج از میوات را کافی ندانست و با وجود مشکلات بسیار، در مدت کوتاهی بیش از صد مدرسه در سراسر میوات تأسیس کرد. چندی بعد با توجه به تجربه گذشته و همچنین عملکرد خود در میوات، به این نتیجه رسید که این نظام آموزشی فقط امکان اصلاح و تعلیم فردی را فراهم می‌سازد، در حالی که وسعت انحطاط و نابسامانی، نیازمند اصلاح و تعلیم جمعی است. همچنین پی برد که نظام مدرسه ای رایج، افرادی را پرورش می‌دهد که به اصلاح عمومی توجه ندارند و پس از فراغت از تحصیل معمولاً به دنبال شغلی برای امرار معاش می‌روند (ندوی، ص 245). الیاس تعلیم دینی عامه و همچنین پیراستن جامعه اسلامی از بدعتها و عناصر التقاطی را نیازمند حرکتی عمومی می‌دانست. او برای ایجاد این حرکت، روشی ابداع کرد که در قالب تبلیغی جماعت ظهور یافت (همان، ص 241-237).

این جماعت در اوضاع آشفته سیاسی و اجتماعی جامعه مسلمانان هند پس از پایان جنگ جهانی اول ظهور کرد. در آن زمان میان رهبران مذهبی و سیاسی مسلمانان هند تفرقه وجود داشت. عده ای حفظ منافع مسلمانان را در رویارو نشدن با انگلیسیها می‌دیدند و برخی طرفدار مبارزه با انگلیسیها بودند. گروهی، هندوها را نیز خطر جدی برای مسلمانان می‌دانستند و عده ای در مبارزه با استعمار انگلیس بر همکاری با هندوها تأکید داشتند (رجوع کنید به هاردی، ص 259-252).

در این شرایط، رجال مذهبی و سیاسی مختلف برای سامان بخشیدن به اوضاع مسلمانان هند تلاش کردند. مولانا محمد الیاس نیز دوری از دین را عامل همه بدبختیهای مسلمانان می‌دانست و معتقد بود که باید تمام توان را برای تبلیغ دین به کار بست و تا زمانی که دینداری در میان مسلمانان عمومیت پیدا نکند، نباید هیچ گونه فعالیت دیگری، از جمله فعالیت سیاسی، صورت گیرد (ندوی، ص 250-249). او معتقد بود که اصلاح و پیشرفت از طریق به دست گرفتن حکومت، شیوه پیامبر اسلام نبود، بلکه پیامبر از روش اصلاح فردی استفاده نمود. او نیز همین روش را آموزه بنیادین تبلیغی جماعت قرار داد (مسعود، 2000 ب، ص 86-87). وی همچنین فعالان تبلیغی جماعت را رسماً از داشتن گرایش فرقه ای برحذر می‌داشت. روشی که او برای تبلیغ دین ابداع کرد، مبلغان را موظف می‌نمود که از هرگونه مشاجره با مخاطبان خودداری کنند و حتی با تحمل توهین و ناسزا کار دعوت و تبلیغ خود را ادامه دهند. بدین ترتیب او با تبیین مفهوم و روش خاص تبلیغ، کار خود را آغاز کرد و موفقیت های بسیاری به دست آورد (ندوی، ص 241-235). او معتقد بود که تبلیغ باید مانند روزگار پیامبر اکرم به صورت فردی باشد و رسانه های جدید نباید در امر تبلیغ واسطه قرار گیرند (رامان، 2001 الف).

الیاس تبلیغ اصول اساسی اسلام را در میان مردم میوات آغاز نمود و پس از مدتی از میان همین مردم جماعت هایی تشکیل داد و آنها را در داخل و خارج از میوات برای تبلیغ دین اعزام کرد. در این کار ابتدا واحدهای سیار حداقل ده نفره سازماندهی می‌شد و سپس این واحدها که «جماعت» نامیده می‌شدند، برای تبلیغ دین با برنامه ای مشخص به مناطق مختلف اعزام می‌شدند (ممتاز احمد، 1998، ص 173). هر جماعت پس از رسیدن به مقصد خود، در یکی از مساجد آنجا مستقر می‌شد و تبلیغ را در قالب برنامه ای ساده آغاز می‌کرد. این برنامه مشتمل بر پانزده نکته بود که بعداً در این شش اصل خلاصه شد:

- (1) کلمه طیبیه (شهادتین: لا اله الا الله، محمد رسول الله). طبق این اصل هر مسلمان باید بتواند کلمه طیبیه را به عربی درست بخواند و همچنین از معنی و مفهوم آن آگاهی پیدا کند و در زندگی عملی خود لوازم آن را رعایت کند (بلندشهری، ص 12-37؛ مسعود، 2000 الف، ص 21-24).
- (2) نماز. مسلمان باید نماز را از هر جنبه بدرستی یاد بگیرد و این وظیفه را طبق دستور اسلام بجا آورد (بلندشهری، ص 16-20؛ مسعود، 2000 الف، ص 21-22).
- (3) علم و ذکر. مسلمان باید دستورهای اسلام را فراگیرد. هم چنین در زبان او باید ذکر خدا همواره جاری گردد و بهترین شکل آن این است که توجه بنده در همه حال به سوی خدا باشد (بلندشهری، ص 20-26؛ مسعود، 2000 الف، ص 22).
- (4) اکرام مسلمان. در اصول شش گانه تبلیغی جماعت، این اصل دارای جایگاه ویژه ای است و علاوه بر زندگی عادی، رعایت این اصل در طی مسافرت های تبلیغی اهمیت خاصی دارد. بدین ترتیب که از یک سو احترام و رعایت حقوق هم سفران، تأثیر عمیقی بر روی فرد اعضای جماعت می گذارد و از سوی دیگر رعایت این اصل در جریان کار تبلیغ، مبلغان را ملزم به تحمل توهین ها و ناسزاها می کند. این اصل دارای جنبه اجتماعی است، اما پنج اصل دیگر جنبه فردی دارند. از دیدگاه بزرگان جماعت اگر در امر تبلیغ این اصل رعایت نگردد، ممکن است هزاران فتنه ایجاد شود (بلندشهری، ص 26-30؛ مسعود، 2000 الف، ص 22-23).
- (5) اخلاص نیت (تصحیح نیت). بر مسلمان فرض است که در انجام هرگونه عمل، فقط رضایت خداوند را در نظر داشته باشد و از تصور هرگونه سود دنیوی پرهیز نماید (بلندشهری، ص 30-34؛ مسعود، 2000 الف، ص 23).
- (6) تفریغ وقت (برای تبلیغ). هر مسلمان باید قسمتی از وقت خود را برای فراگرفتن احکام دین و آموزش آن به دیگران بگذارد. تبلیغ دین از طریق تفریغ (خالی کردن) وقت تحقق پیدا می کند که لازمه آن «خروج» است، یعنی خارج شدن از خانه و قرار گرفتن در یکی از جماعت ها برای تبلیغ در دیگر مناطق (بلندشهری، ص 34-37؛ مسعود، 2000 الف، ص 23-24).
- این اصول شش گانه معمولاً «تبلیغی نصاب» (برنامه آموزشی تبلیغ) نیز نامیده می شود (رجوع کنید به مسعود، 2000 ب، ص 82 - 83). منبع اصلی این اصول کتاب فضائل اعمال نوشته مولانا محمدزکریا، برادرزاده و داماد الیاس، است که به زبان اردو نگاشته شده است. بزرگان تبلیغی جماعت به همه فعالان جماعت خواندن این کتاب را توصیه می کنند. بعداً الیاس اصل «ترک لایعنی» را نیز اضافه کرد که فعالان جماعت را از فعالیت های بیهوده برحذر می داشت (مسعود، 2000 الف، ص 24). بزرگان جماعت بر رعایت نکات دیگری مانند اطاعت از امیر جماعت و به جا آوردن آداب سفر و خوردن و خوابیدن تأکید کرده اند («شش اصل تبلیغ»).
- پس از درگذشت محمد الیاس، تنها پسرش مولانا محمدیوسف، امیر جماعت گردید (مسعود، 2000 الف، ص 12-13). در آن زمان فعالیت های مسلم لیگ برای تشکیل کشور مستقل پاکستان برای مسلمانان به اوج خود رسیده بود. یوسف خط مشی پدرش را حفظ کرد و توانست جماعت را از موضع گیری در مورد این تحول مهم دور نگاه دارد. او که در زمان پدرش تجربیات وسیعی در زمینه تبلیغ کسب کرده بود، در زمان امارت خود برای گسترش فعالیت های تبلیغی در شبه قاره و دیگر کشورهای جهان تلاش های جدی به عمل آورد (گابوریو، ص 121-138). پس از وفات وی در 1344ش، مولانا انعام الحسن امیر جماعت شد. با تلاش های انعام الحسن در دوره امارت سی ساله اش، تبلیغی جماعت به جنبشی جهانی تبدیل گردید. گفته اند که در زمان یوسف نیز طراح فعالیتهای فراملی انعام الحسن بود. پس از فوت انعام الحسن در 1374ش در دهلی، امیری برای جماعت تعیین نشد و اداره امور جماعت به شورایی واگذار

گردید. اعضای این شورا مولانا اظهارالحسن (عموی محمد الیاس)، مولانا زبیرالحسن (فرزند انعام الحسن) و مولانا سعدالحسن (فرزند محمدیوسف) بودند، اما در برخی منابع از مولانا زبیرالحسن فرزند مولانا انعام الحسن، امیر پیشین جماعت، به عنوان امیر جدید جماعت نام برده شده است (مسعود، 2000 الف، ص 18، 20).

یکی از وظایف اصلی مبلغان جماعت پس از ابلاغ پیام، آماده ساختن مخاطبان برای «خروج» است. مدت خروج نسبتاً اختیاری است و فرد بنا به امکان می تواند سه روز در هفته، چهل روز در سال (چله) یا حداقل چهار ماه در تمام عمر، به منظور تبلیغ خروج نماید («خروج برای چله»؛ حافظ نیا، ص 238-239). خروج را می توان هسته اصلی تبلیغی جماعت شمرد. همچنین یکی از معیارهای اصلی ارزیابی کار جماعت ها، تعداد افرادی است که به دعوت خروج پاسخ مثبت می دهند (مسعود، 2000 ب، ص 106؛ کوپل، ص 193، 198). به عقیده الیاس، این روش تبلیغ مبنی بر خروج، زمینه را برای تحمل سختی ها و تقویت خصوصیات اخلاقی و روحانی فرد آماده می کند (ندوی، ص 252). این روش در گسترش و تداوم کار تبلیغی جماعت نقش اساسی داشته است (مسعود، 2000 الف، ص 27).

سران تبلیغی جماعت هیچ شرطی برای شرکت فرد در فعالیتهای جماعت و تبلیغ دین قایل نشده اند و افراد عادی نیز می توانند حتی با دانش اندک مبلغ شوند و لازم نیست قبل از اعزام، آموزش خاصی ببینند. تنها شرط شرکت در فعالیتهای تبلیغی جماعت، آشنایی با اصول شش گانه آن است که معمولاً با توجه به نظام گسترش زنجیره ای جماعت، از قبل صورت می گیرد (همان، ص 24-28). در انتخاب مخاطب نیز جماعت پایبند به اصول خاصی نیست. جماعت در مورد فعالیت های تبلیغی زنان برنامه مشخصی ندارد، با این حال زنان نیز در برخی از فعالیت ها بویژه اجتماعات تبلیغی شرکت می نمایند (متکاف، 1996).

سران تبلیغی جماعت تأکید می کنند که مسلمانان ظاهر خود را به ظاهر پیامبر اکرم و صحابه - آن گونه که خود ترسیم می کنند - شبیه کنند و لذا ظاهر مبلغان جماعت را می توان بدین گونه به تصویر کشید: لباس بسیار ساده معمولاً با رنگ سفید، پیراهن بلند و گشاد، شلوار گشادی که لبه آن بالاتر از قوزک پا قرار می گیرد، سر پوشیده با کلاه یا عمامه مخصوص، ریش بلند و معمولاً سبیل های تراشیده، و حمل لوازم خواب بر روی شانه ها و ساک به دست با ظرف هایی برای غذا خوردن و آشپزی هنگام سفر تبلیغی (رجوع کنید به خان، ص 5-6).

برخی اصول که رهبران جماعت بر آن تأکید دارند، این هاست: نفی دخالت در سیاست؛ خودسازی از طریق ریاضت به عنوان پیش شرط تبلیغ؛ دیگرسازی انفرادی به روش وعظ؛ قایل بودن به نقش ایمان؛ نفی اختلاف بین فرق اسلامی و پرهیز از طرح مسائل تفرقه انگیز؛ آزادی حضور علاقه مندان به برنامه های جماعت از کلیه فرق اسلامی؛ احساس تکلیف نسبت به سرنوشت کفار؛ پرهیز از تجمل گرایی؛ نفی استفاده از رسانه ها و وسایل ارتباطی جدید (حافظ نیا، ص 229-230).

یکی از ویژگی های مهمی که تبلیغی جماعت را به لحاظ ساختاری از دیگر گروه های مذهبی و سیاسی متمایز می سازد، فقدان مقررات یا آیین نامه مدون در این جماعت است (دایره المعارف جهان اسلام آکسفورد، ذیل ماده). هم چنین این جماعت با وجود گسترش عظیم فعالیت های خود، مدعی است که هیچ گونه تشکیلات رسمی به وجود نیاورده است، البته برای اداره امور مهم، بزرگان جماعت از طریق مشورت غیررسمی، امیر مرکزی را به صورت مادام العمر تعیین می نمایند و او نیز شورایی برای مشورت در موارد ضروری برمی گزیند. در هر کشور یک امیر تعیین می شود که وی امرا را تعیین می کند. جماعتی که برای تبلیغ اعزام می شوند نیز از بین خود امیری انتخاب می کنند (همانجا؛ مسعود، 2000 الف، ص 28-30).

سران تبلیغی جماعت از دایر کردن دفتر در مناطق مختلف خودداری می کنند (مسعود، 2000 الف، ص 28؛ قس مندویل ص 143، 146، که از دوایر مرکزی تبلیغی جماعت در اروپا در شهرهای یورکشر و دیوزبری گزارش داده و گفته است که این دوایر کار هماهنگی و اعزام هیئت های تبلیغی جماعت را به سراسر دنیا انجام می دهند). آنها مسجد را مرکز فعالیت هایشان می شناسانند. ادعا می شود که در این مساجد هیچ گونه تشکیلات اداری وجود ندارد و هرکس می تواند به عضویت جماعت درآید و هرگاه اراده کند جماعت را ترک گوید (مسافران ایمان، ص XXVI).

مولانا الیاس مخالف استفاده از هرگونه نوشته در امر تبلیغ بود و معتقد بود که روش عملی به طرز مؤثری می تواند در اذهان تحول ایجاد کند. با وجود این، جماعت نوشته های برخی افراد را تأیید کرده و از آنها استفاده می کند، مثل حیات المسلمین اثر مولانا اشرف علی تانوی و تعلیم الاسلام از مفتی کفایت الله و آثار مولانا محمد زکریا (مسعود، 2000 ب، ص 80). در برگزاری اجتماعات میلیونی جماعت نیز رسانه ها هیچ گونه فعالیتی ندارند (حافظ نیا، ص 233-234) و حتی اطلاعیه ای برای دعوت مردم به شرکت در این اجتماعات چاپ نمی کنند، بلکه از روش شفاهی استفاده می نمایند (خان، ص 62).

امروزه هند و پاکستان و بنگلادش، پایگاه های اصلی جماعت اند «درسی از جماعت»، تا جایی که این جماعت در جهان به نام «جنبش تبلیغی شبه قاره» شناخته شده است. بزرگترین اجتماعات سالانه جماعت نیز در همین سه کشور برگزار می شود. اغلب جماعت های تبلیغی از همین سه کشور به دیگر کشورهای جهان می روند و در آن کشورها نیز هسته های اصلی تبلیغی جماعت را اتباع مهاجر همین سه کشور تشکیل می دهند (ممتاز احمد، 2001). یکی از برنامه های مهم جماعت برگزاری اجتماعات بزرگ است. در این گونه اجتماعات علاوه بر مرور عملی اصول شش گانه، برای فعالیت های تبلیغی آینده برنامه ریزی می شود. شرکت در این اجتماعات اهمیت خاصی دارد و اغلب، مقامات بلند پایه دولتی و شخصیت های مذهبی و سیاسی نیز در مراسم «آخرین مناجات» شرکت می نمایند. تعداد شرکت کنندگان در مراسم آخرین مناجات در بنگلادش در اول فوریه 2000 به سه میلیون تن رسید. اولین تجمع بزرگ تبلیغی جماعت در 1320 ش / 1941 با شرکت 25,000 تن در میوات برگزار شد (خان، ص 17). پس از استقلال پاکستان، در این کشور نیز مرکز تبلیغی در منطقه ای به اسم رانیوند در سی کیلومتری شرق شهر لاهور در ایالت پنجاب به وجود آمد. در این مرکز علاوه بر اجتماعات ادواری، تجمع سالانه بین المللی تبلیغی جماعت نیز برگزار می شود. اولین اجتماع تبلیغی جماعت در پاکستان، دو سال پس از استقلال آن (1949) در همین محل برگزار شد (حافظ نیا، ص 220-226). تعداد شرکت کنندگان در تجمع سالانه رانیوند معمولاً بیش از یک میلیون تن، تقریباً از سرتاسر دنیا بوده است. این مراسم پس از حج، دومین اجتماع بزرگ مسلمانان به شمار آمده است (رامان، 2001 الف). تجمع اخیر این مرکز در ششم نوامبر 2000 به مدت سه روز برگزار شد و آخرین مناجات را مولانا زبیرالحسن انجام داد «تجمع تبلیغی در رانیوند با دعا به پایان می رسد»

در بنگلادش مرکز تبلیغی جماعت ابتدا در یکی از مساجد داکا بود (گابوریو، ص 127) و نخستین اجتماعات در همین مسجد برگزار می شد، اما در 1346 ش / 1967 مرکز تبلیغی در شهر صنعتی تونگی در سی کیلومتری داکا به وجود آمد و سرزمینی به وسعت 150 جریب در کنار شرقی رود توراج برای آن اختصاص یافت. تا فوریه 2000 تعداد شرکت کنندگان در تجمع سالانه این مرکز، که به زبان بنگلادشی «بشوا اجتماع» (اجتماع بین المللی) نامیده می شود، تقریباً به دو میلیون تن رسید که چند هزار تن از آنها از هشتاد کشور دیگر جهان در آنجا شرکت می

کردند «کنگره تبلیغی با مناجات برای صلح جهان پایان می یابد». بشو اجتماع در سال 2000 نیز با همین کیفیت برگزار شد و در پایان این تجمع تقریباً یک هزار جماعت (هر جماعت حداقل ده تن) برای اعزام به نقاط مختلف دنیا (خروج) به منظور تبلیغ تشکیل گردید. یکی از ویژگی های این اجتماع، مراسم ازدواج ها به طور دسته جمعی است که بدون شرایط سنگین مرسوم (جهیزیه و مهریه و...) انجام می شود. در سال های اخیر تعداد این گونه ازدواج ها به نود مورد رسیده است.

جماعت در کشورهای آسیای جنوب شرقی، بویژه اندونزی و مالزی و برمه، نیز فعالیت های گسترده ای دارد و در مناطق مسلمان نشین فیلیپین و تایلند، هدف و فعالیت های آنان را احیای مذهبی می دانند «دایره المعارف جهان اسلام آکسفورد»، همانجا؛ گابوریو، ص 129). علاوه بر آن در افغانستان و ترکیه و ژاپن و کشورهای افریقای شرقی، از جمله کنیا و اوگاندا و تانزانیا و زامبیا و موزامبیک، این جماعت فعال است (رجوع کنید به گابوریو، ص 127-130). در مناطق سنتی نشین ایران نیز این جماعت فعالان بسیار دارد و آنان به مرکز تبلیغی رانیوند در پاکستان رفت و آمد می کنند. در اجتماع سال 1373ش در رانیوند، حدود پانصد تن از ایران شرکت کردند (حافظ نیا، ص 243). بسیاری از مسلمانان قاره افریقا نیز در برنامه های جماعت شرکت می کنند (رجوع کنید به ابراهیم موسی، ص 206-221). در میان کشورهای اسلامی، جماعت کمترین نفوذ را در منطقه خاورمیانه دارد و اعراب بندرت از آن استقبال کرده اند. در اروپا و امریکا نیز جماعت از طریق اصول شش گانه خود، مسلمانان را برای داشتن ارتباط مستمر با دین ترغیب می نماید. در انگلستان فعالان جماعت از تشکیلات منسجمی برخوردارند. تجمع جماعت در اروپا و امریکا برنامه ای است که در آن بیشترین تعداد مسلمانان آن مناطق جمع می شود (رجوع کنید به رامن، 2001 الف؛ < مسافران ایمان >، ص 121-239؛ رضا، ص 29-30). تبلیغی جماعت مدعی است که هیچ مذهب و عقیده اسلامی خاصی را تبلیغ نمی کند و اصول شش گانه آن حاوی مشترکات مذاهب اسلامی است. این ادعا مشابهت بسیاری با تفکر شاه ولی الله مبنی بر تلفیق مذاهب اسلامی دارد، اما فعالان جماعت به لحاظ عقیدتی از مکتب دثوبند پیروی می کنند و همانند دثوبندیها مخالف اموری مانند تکریم اولیا و رفتن به زیارتگاه ها می باشند. سنتی های بریلوی که از مهم ترین مخالفان تبلیغی جماعت اند («دایره المعارف جهان اسلام آکسفورد»، همانجا)، معتقدند که این جماعت مروج عقیده دثوبندی و وهابی اند. در این زمینه به شواهدی چون ملاقات های محمد الیاس و دیگر بنیانگذاران تبلیغی جماعت با سلطان نجد و دیگر مقامات آنجا جهت کسب موافقت برای ادامه کار تبلیغی استناد می شود (قادری، ص 91-92). موضع جنبش شاه ولی الله دهلوی درقبال تشیع خصمانه بود، اما تبلیغی جماعت اغلب مخالفت آشکاری نسبت به این مذهب نشان نداده است، با این حال بسیاری از افراد و گروه هایی که تفکر ضدشیعی دارند، مانند اعضای جمعیت العلمای اسلام پاکستان، پیوسته با جماعت ارتباط دارند و فعالان جماعت نیز در انتخابات مختلف پاکستان معمولاً به همین حزب رأی می دهند («دایره المعارف جهان اسلام آکسفورد»، همانجا). از موارد عمده انتقاد برانگیز در کار این گروه اینهاست: روش جماعت برای تبلیغ، احترام پیامبرگونه به مولانا الیاس، گرایش های فرقه ای، نظام مرموز مالیاتی، شرکت نکردن در امور سیاسی و جهادی و اعتقادشان به نقش محدود زنان در جامعه (برای مطالعه بیشتر در مورد هر یک از این مقولات رجوع کنید به مسعود، 2000 ب، ص 90-107)، هم چنین اینکه این جماعت به جای قرآن و حدیث، اصول شش گانه را اساس کار تبلیغی قرار داده و به نوعی دین را در این اصول خلاصه نموده است، علما و مدارس مذهبی را کم اهمیت جلوه می دهد، با مبلغانی کم اطلاع و بر اساس احادیث ضعیف عمل می کند و با استناد به همین احادیث ضعیف روش خود را توجیه

می نماید. خط مشی جماعت مبنی بر دوری از سیاست نیز همسو با خواسته های دشمنان اسلام پنداشته شده است (امیرعلی، ص 5-7).

تبلیغی جماعت از اوایل تأسیس خود را از امور سیاسی دور نگه داشت و مدعی است که هنوز این روش را ادامه می دهد (رجوع کنید به مندویل، ص 17، 116، 130؛ هاشمی، ص 104)، با این حال برخی از فعالان جماعت توانسته اند به مناصب مهم دولتی دست یابند. مثلاً ذاکر حسین رئیس جمهور اسبق هند (1346-1348 ش / 1967-1969) از فعالان جماعت بود و اولین مأموریت تبلیغی در لندن به رهبری وی صورت گرفت (قادری، ص 150؛ گابوریو، ص 128). در پاکستان تبلیغی جماعت، به دلیل غیرسیاسی بودن، برای فعالیت در میان نیروهای مسلح با هیچ مانعی روبرو نیست. بویژه در زمان ضیاءالحق، جماعت از طریق فعالیت های تبلیغی نفوذ بسیاری در میان نظامیان پیدا کرد («دایره المعارف جهان اسلام آکسفورد»، همانجا). برخی از افسران عالی رتبه ارتش که از فعالان جماعت به حساب می آیند، مسئولیت های مهمی در دولت های مختلف داشته اند (رامان، 2001 ب). محمد شریف، پدر نواز شریف نخست وزیر اسبق پاکستان، نیز از فعالان مهم جماعت است. نواز شریف در زمان نخست وزیری (1376-1378 ش / 1997-1999) گاهی جلسات تبلیغی را برای اعضا و دیوان سالاران عالی رتبه دولت خود برگزار می کرد. محمد رفیق تارر، رئیس جمهور پیشین پاکستان، نیز که از فعالان قدیمی جماعت است، به کمک نواز شریف به این مقام رسید. در دیگر کشورها نیز چنین مواردی کم و بیش مشاهده می شود؛ مثلاً شواهدی وجود دارد دالّ بر اینکه مقامات سیاسی عالی رتبه چچن در فعالیت های جماعت شرکت داشته اند (رجوع کنید به رامان، 2001 الف).

بنا به این موارد، این دیدگاه وجود دارد که گرچه تبلیغی جماعت به طور مستقیم نقشی در امور سیاسی ندارد، به صورت غیرمستقیم از اعضای ورزیده خود برای رسیدن به مقامات سیاسی مهم حمایت می نماید.

در مورد منابع مالی تبلیغی جماعت نیز بسیاری سؤالات مطرح است (قادری، ص 105-111)، زیرا از یک سو فعالیت های گسترده و اجتماعات میلیونی جماعت از نیاز به منابع کلان مالی حکایت دارد و از سوی دیگر جماعت مدعی است که خود فعالان جماعت همه هزینه ها را تأمین می کنند (همان، ص 110).